

مقصود نجات؛ سروده‌ای در پاسخ به هفت بند ملاحسن کاشی

سروده سید مختار حسین تقوی (قرن ۱۳)

دکتر ابوالفضل مرادی (رستا)*

چکیده

هفت بند مولانا حسن کاشی (متوفی ۷۲۶ق) جایگاه استوار و شناخته شده‌ای در گستره شعر آیینی شیعی دارد. این جایگاه نمادین باعث شده است تا سرایندگان بسیاری، سعی در اقتفا و تبعیت از سروده وی داشته‌اند. شاعران شیعی شبه قاره هند توجه خاصی به سرودن جوابیه‌ای برای هفت بند ملاحسن کاشی داشته‌اند و آن را برای خود وظیفه و افتخار می‌پنداشتند. بی شک یکی از راه‌های تحقیق در شعر مذهبی و مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام تحقیق در جوابیه‌های هفت بند ملاحسن کاشی است. در این مقاله، یکی از سرایندگان ناشناخته در جوابیه‌سرایی بر شعر کاشی، مورد تحقیق قرار گرفته و به فرهنگ مکتوب علمی معرفی گردیده است. سید مختار حسین تقوی (ز ۱۸۸۸ م برابر با ۱۳۰۵-۱۳۰۶ ه) در شبه قاره هند در عرصه اقتفا و پاسخ به شعر کاشی طبع آزمایی نموده و جوابیه‌ای ارزشمند و در خور توجه با عنوان «مقصود نجات» سروده است. این سروده در صفحه‌های فرهنگ مکتوب ناشناخته مانده است. در نتیجه این تحقیق ضمن معرفی زندگانی

* استادیار گروه علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان پردیس طالقانی قم

سراینده این اثر، هفت بند سید مختار حسین نقوی با عنوان مقصود نجات در ادامه مقاله آورده می‌شود.

کلید واژه

سید مختار حسین نقوی، هفت بند، ملاحسن کاشی، ادبیات فارسی، مدح و منقبت، شبه قاره هند

مقدمه

آنچه در این مقاله بدان می‌پردازیم نویافته‌ای از جوابیه‌های هفت بند در پاسخ به هفت بند ملاحسن کاشی است. ملاحسن بن محمود کاشانی آملی از شاعران شیعی قرن هفتم و هشتم نقطه عطفی در شعر آیینی شیعه به حساب می‌آید. ترکیب بند سروده وی دارای هفت بند بوده که در هر بند سیزده بیت دارد و مجموعاً ۹۱ بیت دارد، این شعر یک نماد در شاعران شیعی و محب اهل بیت به حساب می‌آید و شاعران شیعی برای تبرک و تیمن و قرار گرفتن نامشان در زمره شاعران محب اهل بیت (ع) آن را اقتفا نموده و مطابق با آن سروده‌ای را عرضه کرده‌اند. همین سروده باعث شهرت هرچه تمامتر شاعر ملاحسن کاشی شده و این سروده سرمنشأ سروده‌های منقبت و مدح اهل بیت (ع) در دوره‌های بعدی بوده بطوری که در مجالس و محافل شیعه در دوره صفوی این شعر خوانده می‌شده است.^۱ بیت آغازین این هفت بند که همیشه مورد اقتفا و تقلید بوده است چنین است:

السلام ای سایه‌ات خورشید ربّ العالمین آسمان عزّ و تمکین، آفتاب داد و دین
هفت بند میرزا حسن کاشی مشهورترین سروده وی است و همچون نگین انگشتی و تاجی برتارک این دیوان می‌درخشد^۲ که خود نشانه‌هایی از اقتفای قصاید خاقانی دارد، این منظومه بارها مورد توجه و پیروی شاعران بسیار قرار گرفته است و پژوهش‌هایی نیز در این زمینه توسط پژوهشگران این عرصه صورت گرفته است. گاهی این جوابیه‌ها به صورت مستقل مورد توجه قرار گرفته و به عنوان یک مقاله مستقل به چاپ رسیده است^۳ و یک بار نیز

۱ جعفریان، رسول؛ مروری بر منقبت امامان شیعه، نشریه مشکات، شماره ۷۸، ص ۸۰..

۲ دیوان حسن کاشی، ص ۱۶۳.

۳ مرادی (زستا)، ابوالفضل؛ سبعة سیاره در جواب هفت بند کاشی، نشریه میراث شهاب، شماره ۷۳، ص ۳-۲۳.

تعدادی از این جوابیه‌ها در یک اثر جمع‌آوری شده و با عنوان هفت بند هفتاد بند از سوی محقق فقید سعید هندی به چاپ رسیده است و در آن سیزده جوابیه و اقتفا و تضمین هفت بند کاشی مورد پژوهش قرار گرفته است.^۱ اما جوابیه حاضر که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است، بعد از چاپ آن در سال ۱۳۲۹ قمری در هند در هیچ پژوهشی مشاهده نشده است.

پیشینه پژوهش در خصوص هفت بند مختار

در باره سراینده این هفت بند مختار تقوی و سروده‌های او تا کنون پژوهشی صورت نگرفته است و این رساله یعنی مقصود نجات تا کنون گمنام بوده است. اهمیت این اثر از یک سو مربوط به جوابیه‌های هفت بند کاشی است که در جای خود از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و از سوی دیگر با عنایت به این که سراینده این اثر از نوادگان و تبار مهاجران قمی به شبه قاره است، از این نظر نیز می‌تواند زنده‌کننده نام نیای خویش سید عبدالله قمی باشد که به هند مهاجرت نموده و در آن دیار ازدواج نموده و فرزندان او به همین ترتیب بنیانگذار یک خاندان مهاجر از سادات تقوی در هند گردیده است. بی‌شک این تحقیق می‌تواند گامی در جهت معرفی یکی از تولیدات عرصه هنر و فرهنگ در شبه قاره باشد. این رساله با عنایت به این اهمیت در بین رساله‌های گوناگون اردو در یک مجلد صحافی شده و متاسفانه در فهرست‌های دیگر نیز به طور کامل مورد مذاقه و معرفی قرار نگرفته است:

در جلد سوم کتاب شناسی آثار چاپ شده در شبه قاره در خصوص رساله مقصود نجات ذیل عنوان سراینده آن «مختار حسین تقوی» چنین آمده است:

«مقصود نجات شامل ۲ قصیده در مدح حضرت علی (ع) آغاز: مطلع مهر و سپهر دین علی المرتضا / چرخ دوش خواجه عالم نجم اعتلا» همین طور که ملاحظه می‌شود در این اثر به دو قصیده اشاره شده است، در حالی که در حقیقت در این رساله سروده نخست در قالب قصیده است ولی سروده دوم در قالب هفت بند است که این مقوله مغفول مانده و به آن اشاره‌ای نشده است.^۲

۱ هندی، سعید؛ هفت بند هفتاد بند، ص ۱۵

۲ نوشاهی، عارف؛ کتاب شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ج ۳ ص ۳۵۰.





در کتاب تألیفات شیعه در شبه قاره هند که ۱۲۵۰۰ مولف شیعه را درهند و پاکستان و بنگلادش را ذکر کرده است و آثار تألیف شده مولفین شیعه در ۱۷ زبان از جمله فارسی و عربی و اردو نیز معرفی گردیده است، از مقصود نجات نام نبرده است و این در حالی است که به بیشتر آثاری که از نظر زمانی و از نظر جغرافیایی به عصر و مکان مولف مقصود نجات نزدیک بوده اند، نام برده شده است.^۱

یکی از آثار نسبتاً گسترده ای که در باره آثار تألیف شده توسط نویسندگان شیعه می پردازد و آن را مورد تحقیق و پژوهش و معرفی قرار می دهد کتاب موسوعه مؤلفی الامامیه است، در این کتاب به مولفان شیعه در شبه قاره که با عصر و جغرافیای زندگی مولف مقصود نجات یکسان بوده است، نیز پرداخته شده است؛ مع الوصف ذکری از مقصود نجات و سراینده اش سید مختار حسین تقوی در آن به میان نیامده است.^۲

از سوی دیگر در فهرست کتاب های فارسی چاپ سنگی کمیاب کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد نیز نام از رساله مقصود نجات برده نشده است.^۳

مناقب الحیدریه نام دیگر مقصود نجات

در الذریعة الی تصانیف الشیعة از این کتاب با عنوان مقصود نجات یا «مناقب الحیدریه» نام برده شده است^۴ و فاضل قاینی نیز نام دیگر مقصود نجات را «مناقب الحیدریه» ذکر می کند که در لکهنؤ به چاپ رسیده است.^۵

مجموعه این موارد بیانگر این است که رساله مقصود نجات رساله ای کمتر شناخته شده در عرصه تاریخ تألیفات شیعه به حساب می آید و در خصوص هفت بند مختار تا کنون تحقیقی صورت نگرفته است و پژوهش حاضر، نخستین تحقیق و کاوش در این زمینه به حساب می آید.

۱ تقوی امروھی، سید شهسوار حسین؛ تألیفات شیعه در شبه قاره هند، ص ۲۵.

۲ مجمع الفکر الاسلامی؛ موسوعه مؤلفی الامامیه، ص ۲۰

۳ نوشاهی، عارف؛ فهرست کتاب های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش، ص ۱۲

۴ تهرانی، آقا بزرگ؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۲، ص ۱۱۵.

۵ فاضل قاینی، علی؛ معجم مؤلفی الشیعة، ص ۳۷۶.

معرفی نسخه مقصود نجات

در خصوص نسخه موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی باید ابتدا بیان کرد که این نسخه در بین چندین نسخه از آثار مختلف به زبان اردو صحافی شده است. و دیگر این که معلوم نیست آیا تفاوتی بین چاپ اول و دوم این کتاب با حدود ۷ سال اختلاف زمانی وجود دارد یا خیر؟ ولی از قراین معرفی در فهرست ها به نظر می رسد، اختلاف چندانی وجود ندارد. در جلد سوم از میراث مشترک ایران و هند در معرفی چاپ دوم این رساله چنین آمده است:

«جزوه ای شامل یک قصیده و یک هفت بند و چند ماده تاریخ که مؤلف با تخلص (مختار) سروده است با این مشخصات:

- قصیده ای با قافیه الف در حدود ۱۴۳ بیت در مدح و منقبت حضرت علی علیه السلام
- هفت بند در اقتفای هفت بند ملاحسن کاشی.
- شرح حال مؤلف در یک صفحه به اردو (ص ۱۵) مؤلف در آن عنوان نموده که از اولاد موسی مبرقع و شاگرد شیخ محمد نعیم صاحب است. و می گوید که استادش در سال ۱۲۸۶ ق در گذشته و او قطعه ای در ماده تاریخش سروده است.
- چهار دو بیتی در ماده تاریخ: وفات میر نثار علی ۱۲۶۸ ق، وفات میان نبی بخش ۱۲۸۴ ق، قطعه ولادت سید نثار حسین و شکر الله دو فرزند مؤلف. چاپ در مطبعه نولکشور لکهنؤ هند، جون ۱۸۸۸ م، ۱۶ صفحه ۱۶*۲۴، تعداد سطور ۲۱»^۱

نامگذاری مقصود نجات

در خصوص نامگذاری این هفت بند با عنوان مقصود نجات لازم به ذکر است اسم کلی این رساله و این قصیده توسط شاعر نام گذاری شده است، شاعر در بیتی که ملمع بوده و مصراعی آن به زبان عربی است، نجات و رستگاری را در مدح حضرت امام علی (ع) دانسته است و گفته هر کس که مدح حضرت را بخواند او نجات یافته است، پس نام این رساله، توسط شاعر مقصود نجات نام گذاری شده است:

این قصیده را بکردم نام مقصود نجات من قرأ مدح العلی المرتضی اعلم نجا^۲

۱ صدرایی خوبی، علی - ابوالفضل مرادی رستا - حجت ذبیحی فر؛ میراث مشترک ایران و هند، ج ۳، ص ۳۵۱.

۲ تقوی، سید مختار حسین؛ مقصود نجات، ص ۹





چاپ اول مقصود نجات

در جلد سوم کتاب شناسی آثار چاپ شده در شبه قاره ذیل عنوان مختار حسین تقوی از نخستین چاپ این کتاب نام برده است، البته در جلد سوم کتابشناسی آثار چاپ شده در شبه قاره به دو چاپ موجود از این اثر اشاره شده است، نخستین چاپ این کتاب مربوط به سال ۱۸۸۱م و توسط مطبعه نولکشور در شهر لکهنؤ به چاپ رسیده است. اساس شناسایی چاپ اول بنا بر گزارشی است که عارف نوشاهی در کتابشناسی چاپ سنگی هند آورده است. و آن بنا بر نسخه موجود از فهرستی است که بدین شرح بدان اشاره شده است: «از کتاب بر صغیر کی امامیه مصنفین کی مطبوعه تصانیف اور تراجم (اردو) سید حسین عارف نقوی، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ۱۴۱۸هـ / ۱۹۹۷ م، ج ۱ و ۲ دست نویس جلد سوم مربوط به کتاب های فارسی است و قبلا از چاپ مورد استفاده من واقع شده است».^۱

چاپ دوم از مقصود نجات

این رساله برای بار دوم نیز توسط همان مطبعه منشی نولکشور در لکهنؤ در سال ۱۸۸۸م، همزمان با ۱۳۰۶-۱۳۰۵ ق به چاپ رسیده است، نسخه ای از این چاپ در کتابخانه مدرسه عالیہ عربی کلکته موجود بوده و در فهرست این کتابخانه با عنوان فهرست الکتب العربیة و الفارسیة و الهندیة الموجودة بمکتبة المدرسة العالیة، تألیف ابوالمکارم فضل الوهاب در کلکته در سال ۱۹۲۸م به زبان عربی انتشار یافته است».^۲ این چاپ از رساله مقصود نجات همان است که در ضمیمه ۱۲ از کتاب شماره ۱۳۶۲ از گنجینه ارزشمند کتاب های چاپ سنگی هند در کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی نجفی شماره گذاری شده و نگهداری می گردد.

ذکر تخلص شاعر در این رساله

تخلص سراینده «مختار» ذکر شده است. در رساله مقصود نجات، شاعر در چند بیت، تخلص خویش را ذکر کرده است. این ذکر تخلص را در قصیده چنین آورده است:

هست ای مختار از جذب دل تو این عجب باشی تو در هند مولای تو در ملک عرب

۱ نوشاهی، عارف؛ کتاب شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ج ۱ ص ۵۶.

۲ همان، ج ۱ ص ۷۲.

این ذکر تخلص در هفت بند نیز در دو مورد آمده است:

از فراق تو نهایت آمده مختار تنگ خواهد از یزدان لقاییت یا امیر المؤمنین
ده ز خوان خود نصیبم ای شه کون و مکان گر بد است مختار شاها فضلة خوان شماس

هدف از سرودن و کاربرد رساله مقصود نجات

سرودن هفت بند مقصود نجات از سوی مصنف با هدف بهره مندی فرزندان شیعیان در هند در جهت آموزش زبان فارسی و بهره مندی از این متن به عنوان یک کتاب آموزنده اخلاقی و معنوی مورد توجه بوده است. هدف شاعر این بوده است که خانواده های شیعه به جای استفاده از کتاب های مختلف در آموزش زبان فارسی از این رساله استفاده نمایند، که هم جنبه های زبانی و هم ظرفیت های معنوی این رساله مورد توجه قرار گیرد:

« از آنجا که این کتاب در مدح امام المشارق و المغرب اسد الله الغالب علی بن ابی طالب است، عاشقان علی و محبان آن ولی را باید که نقد جان فروخته، کتاب هذا را خرید فرمایند و به تحفظ کوشند، ببوسند و وظیفه خود گردانند [که] اگر کسی خواند، بشنوند و پیش چشم خود همه وقت نگاهدارند، عینک چشم خود دانند و طفلان را به جای کریم و ما مقیمان تعلیم دهند»^۱

شرح حال مصنف

از سراینده این اثر اطلاعات چندانی در دست نیست به جز چند سطر به زبان اردو که در انتهای رساله مقصود نجات آورده شده است که ترجمه آن به شرح زیر است:

«مصنف این کتاب از اولاد شاهزاده موسی بن مبرقع ابن امام محمد تقی (ع) است، اصل و ریشه تبار سادات تقوی در هند سید عبدالله قمی بوده است، که ایشان به هند مهاجرت نموده و با خواهر شخصی به نام باهو ازدواج کرده است از این ازدواج پسری به نام زید به دنیا آمده است زید پس از رشد و نمو با دختر باهو (دختر دایی خویش) ازدواج نموده به این ترتیب نسل سادات تقوی از این شاخه افزایش یافته است».^۲

۱ تقوی، سید مختار حسین؛ مقصود نجات، ص ۲

۲ تقوی، سید مختار حسین؛ مقصود نجات، ص ۳.



تاریخ تولد مصنف ذکر نشده است اما زادگاه شاعر در روستای «بزرگ» یعنی محله سادات از شهر مصطفی آباد معروف (بڑا گاؤں) از توابع استان فیض آباد هندوستان بوده است. سید مختار حسین پس از تولد همراه خانواده خویش به روستای نزدیکی زادگاه خویش مهاجرت نموده و نشو و نما و پرورش علمی، تربیتی یافته است. از ویژگی های این محله ها این بوده است که سادات زیادی در آن زندگی می کرده اند. در خصوص تاریخ شیعه در هند منطقه فیض آباد از قدیم الایام از پایگاه های تشیع در هند به شمار می آمده است.

سید مختار حسین با یکی از نوادگان سید علاء الدین ماهر و جعفری وصالی خراسانی ازدواج نموده و در زمان چاپ این کتاب یعنی در حدود سال ۱۸۸۱ م در شهر اوده در محله حیران پوره در منزل پدر همسرش زندگی می کرده است.^۱

استادان و معلمان سراینده مقصود نجات

آنچنان که در شرح بسیار مختصر از زندگانی سید مختار حسین در انتهای این رساله آمده است، وی افتخار شاگردی دایی مادرش شیخ محمد نعیم را داشته است، ماده تاریخی در خصوص درگذشت محمد نعیم در این رساله آورده شده است، که تاریخ درگذشت محمد نعیم استاد سراینده این ابیات را به تاریخ ۱۲۸۶ ق درج نموده است و آن به شرح زیر است:

رفت زین دنیای فانی چون نعیم	شد دل منعم در این ماتم دو نیم
بود در باغ سخن خوش بلبلی	شد سبک زین باغ چون بوی نسیم
داشت در تنظیم آن طبع فصیح	الکریم بن الکریم بن الکریم
سال تاریخش فلک گفتا که های	شد نعیم الحق به جنات النعیم ^۲

شخصیتی دیگر که بر سید مختار حسین، سمت استادی داشته است و در آخر این رساله نامی از او برده شده است، میر نثار علی صاحب است. مختار از وی با عنوان «مربی» خویش ذکر کرده است و قطعه تاریخی نیز در درگذشت وی سروده که تاریخ ۱۲۶۸ ق را نشان می دهد. در صفحه آخری این رساله قطعه تاریخی در وفات شخصی به نام میان نبی بخش آورده

۱ همان، ص ۱۵.

۲ تقوی، سید مختار حسین؛ مقصود نجات، ص ۱۵.

شده که سراینده آن محمد نعیم است که استاد سراینده این ابیات بوده است و تاریخ وفات میان نبی بخش به تاریخ ۱۲۸۴ ق بوده است.

فرزندان و نوادگان شاعر

از شاعر یعنی مختار حسین دو فرزند پسر در این رساله ذکر شده است. سید مختار حسین در تاریخ تولد هر دو قطعه تاریخی سروده است که آن را پایان این رساله درج نموده است که به یکی به نام سید نثار حسین و دیگری در قطعه تاریخ نام کاملش به شرح زیر آورده شده است: «قطعه تاریخ ولادت برخوردار شکر الله سلمه خلف مختار»

از نثار رباعی در جواب صائب آورده شده است که بیان کننده ذوق و طبع شاعری وی است، همچنین دو رباعی نیز از فرزندان نثار یعنی نوه های مختار حسین به نام لطیف و دیگری به نام شریف آورده شده است که بیانگر ذوق شعری آنان نیز است.^۱

هفت بند مقابله هفت بند ملاحسن کاشی

بند اول

السلام ای آسمان ملت و شرع مبین	عرش دوش مصطفی را در حرم بالانشین
موسی طور امامت سرور هر دو جهان	عیسی چرخ ولایت از خدا هر دم قرین
روغن قنديل كعبه رونق بيت الحرام	بو گل گلزار ایمان نیز سرو باغ دین
نوح طوفان قیامت کشتی امن و امان	آیت رحمت چو احمد هم شفیع المذنبین
بانی شرع محمد قاتل اهل ضلال	جانشین مصطفی اعظم امیر المؤمنین
خانه زاد ایزد ^۲ خویش پادشاه مرسلان	دست حق شیر خدا نفس امام المرسلین
بازو ختم الرّسالت ناصر دین خدا	واقف سرّ محمد هم امام اولین
سابق الاسلام مغز آية والسابقون	جانب دو قبله ساجد جدّ زین العابدین
هرچه خیر و شر شود بر ارض روز و شب مدام	عرض ای سلطان دین از توهمی دارد زمین
قاضی الحاجات مثل آدم و حوا به تو	فاطمه را منعقد فرمود بر عرش برین

۱ همان، ص ۱۶.

۲ در نسخه: «یزدان».



از حدیث مصطفی شاها شده ظاهر بما
از رگ جان هم توی شاها قرین تر به خدا
بودی پیدا آن زمان که بود آدم ما و طین
«نحن اقرب» بوده در قرآن شاهد بر همین

مهربان نه بر تو چون دایم رسول الله بود
گر دم و لحم تو در عالم رسول الله بود

بند دوم

طائر جان ای خدا در هند گر شکند قفس
از روایات صحیحہ ظاهر افزون از علی
کرد بینایی عطا او را خدای دو جهان
پرسد از مریخ احدی این به چرخ پنجمین
هست این هم زار در عشق شهنشاه نجف
بودی هر دم نام یزدان بر لب پاک علی
داد سلمان را رهایی از اسد شیر خدا
بر نشستی نه به معصومین شاید تا کنون
عار شیران دغا را چون بود زان مرتضی
جز در پاک علی ما را نه بنما ای خدا
چون بود خورشید روشن اینقدر نه بر فلک
مشرق و مغرب دوگام از اسب رعد آسای او

سوی صحرای نجف بر درّ تو دارم هوس
بود نه محبوب محبوب خدا را هیچ کس
کرد نابینای چشم خود ز دامانش چو مس
که تو را کرده سوای حیدر صفدر عسس
روز شب بی فایده ناله نمی سازد جرس
گشت از ذکر خدا غافل نه حیدر یک نفس
ر زبانش رفته هر گه ای علی فریادرس
سر از آن حسرت به هر دو دست می ساید مگس
پای در غزوات هم از سهو نه بنهاد پس
هست این درویش حیدر بر در پاکش و بس
هست از نور رخ مولا اگر چه مقتبس
گر علی در عرصه گیتی همی تازد فرس

نیست مثل حیدر صفدر رسول کردگار
العلی منی انا منه بگفتی بار بار

بند سوم

عرش را چون در خور پایت نه داور یافته
قرب ما یزدان زیاده داری از احمد مگر
زان تو مأمور کرد یزدان به تبلیغ برات
تا قضا گردد نماز تو نه رجعت کرد چون
پای تو بر دوش احمد او بالای عرش
زان تو خود معراج بر دوش پیمبر یافته
مصطفی بیرون پرده جا، تو اندر یافته
با حبیب خود تو را یزدان چو همسر یافته
حکم تو بر چرخ چارم شاه خاور یافته
رتبه معراج زان اعلی تو حیدر یافته



از نبی دختر اگر تیغ از خدای ذوالمنن
کرد بر ازواج خود احمد طلاق تو مباح
نفس بر مرضات یزدان چون شها بفروختی
کرد والنجم اذا نازل خدا در شأن تو
بر خلاف نسبت تو بعد ختم الانبیا
گفت اشداء علی الکفار خود یزدان تو را
چون رسد عرفی نه بعد مرگ نزد تو شها

آبرو از احمد و یزدان برابر یافته
اختیاری زین نه بهتر آن چو دیگر یافته
زان پی آرام از احمد تو بستر یافته
بر ضلالت دشمنانت را چو اکثر یافته
دال عشاق تو دو آیه مکرر یافته
کافر افکن چو تو را در جنگ خبیر یافته
کز طفیل عشق تو رهبر مقدر یافته

هست ای مختار از جذب دل تو این عجب
باشی تو در هند مولای تو در ملک عرب

بند چهارم

ای خلیل کعبه ایمان به سان مصطفی
لحمک لحمی تو را گوید چو ختم المرسلین
کی لبان از شیر مادر ساختی هرگز تو تر
چون کرامت خوان نعمت کرد یزدان با نبی
کرد احصا کل اشیا چون خدا در تو شها
سوی تو گشته مخاطب روز و شب گوید جرس
هستی واحد تو و احمد دو اگر بیند کسی
داری آن نسبت به احمد هم چو هارون از کلیم
ساکنان چرخ حب تو دهند سویت ندا
پیشوای دین ز صلب تو پست گشتند شها
نوش بر عرش علا فرمودی با احمد طعام
ور محاذی تو مولا بر عدو قائم کنند

بانی اسلام بنیاد مکان مصطفی
کفر دانم فرق دانستن میان مصطفی
نوش فرمودی نه تا آب دهان مصطفی
باقی حصه تویی اول ز خوان مصطفی
هست دریا یا و میمی از زبان مصطفی
آمدی یوسف تویی در کاروان مصطفی
هست احول آن به نزد عاشقان مصطفی
هست بر طرفین ثابت از بیان مصطفی
نیز اعظم تویی بر آسمان مصطفی
یازده مثل تو اندر خاندان مصطفی
گشت چون بر عرش یزدان میزبان مصطفی
جز تو چون بوده نه دیگر راز دان مصطفی

کن ز چشم لطف شاهایک نظر تو سوی من
تا در رحمت گشاید خود خدا بر روی من





بند پنجم

دوش احمد زیر پایت یا امیر المؤمنین دادی سانل را چو خاتم در رکوع از مصطفی کی بماند قدر حاتم در سخا گردد اگر رتبه محمود حاصل با ایاز آید بر آن در شما اکرم تقا گوید چو در قرآن خدا خفتی بی خوف و خطر شاه‌چوهر جای نبی حضرت یزدان تو را داد آن شرف که آمدند چون که در هر کار کردی پیش یزدان تو دعا گشت در باب خلافت ز آسمان نجمی نزول گنج قارون را گدایان تو چه آرند در خیال از فراق تو نهایت آمده مختار تنگ حضرت یزدان به جن و انس در خم غدیر

اعلی تر از عرش جایت یا امیر المؤمنین کرد خود یزدان ثنایت یا امیر المؤمنین ظاهراز قرآن سخایت یا امیر المؤمنین گرفتند ظل همایت یا امیر المؤمنین زان نه مقصودی سوایت یا امیر المؤمنین کرد زان مدحت خدایت یا امیر المؤمنین قیصر و خاقان گدایت یا امیر المؤمنین کرد اجابت حق دعایت یا امیر المؤمنین خاص در دولت سرایت یا امیر المؤمنین گر غنی سازد عطایت یا امیر المؤمنین خواهد از یزدان لقایت یا امیر المؤمنین شد منادی ولایت یا امیر المؤمنین

کرد یزدان زان قسیم جنت و نار تو را
 بود جز کار خدا دیگر نه چون کار تو را

بند ششم

ای توان مدح تو آن نه که شایان شماس است هست زان توحید پیدا ای زبان کبریا چه حدیث مصطفی را ذکر در وصف اگر درّه التاج شهنشاهان عالم می شود چه به حسن تورد یوسف اگر ای شاه حسن بر درت از کاسه خورشید شد ظاهر مرا از درنگ آید نظر خورشید چون نه بر فلک پیش قصر تو چه رتبه قصر قیصر را بود چون تو را گویم نه فخر حضرت آصف شها

زان که در قرآن خود یزدان ثنا خوان شماس است مطلع رنگین که آن شاهان دیوان شماس است در کتاب الله سه صد آیه در شان شماس است گوهر نایاب آن شاهان که از کان شماس است یوسف مصری به مصرت از غلامان شماس است کاسمان هم بر درت از یک گدایان شماس است گر چه آن خجالت زده از روی تابان شماس است طایر صدره اگر چه مرغ ایوان شماس است حضرت ختم الرسالت گر سلیمان شماس است

بر فروشی نفس را چون تونه بر مرضی حق حضرت خلاق عالم گرچه جانان شماس
از چراغ طور روشن از چه نه خانه ات بود زانکه همچون فاطمه شمع شبستان شماس
ده ز خوان خود نصیبم ای شه کون و مکان گربد است مختار شاهافضلة خوان شماس

با تو باید فکر درد دردمندان داشتن
چند ای عیسی مرا بیمار بتوان داشتن

بند هفتم

ای چراغِ طور ایمان، اهلِ عالم را امام سرمه چشم اهل بینش موسی طور کبریا
کیست مثلت در جهان از عینک عین الیقین باب شهر علم احمد اوستاد جبرئیل
هم برادر هم وزیر مصطفی هستی شها یوسف مصر جمال و موسی طور جلال
گوهر دریای عظمت لعل کان مکرمت ابلق ایام را بعد امام المرسلین
آیه الیوم اکملت لکم نازل شده هم سخاوت هم شجاعت ای امیر المؤمنین
مطلع دیوان عالم مقطع اشعا رحق نیست مدح تو شها کار بشر زان که خدا

چون شدی بردوش ختم المرسلین تو جاگزین
رفعتِ خود دور از یادت نمود عرش برین

نتایج پژوهش

الف) یکی از جوابیه های هفت بند مولانا حسن کاشی که تاکنون مورد شناخت و توجه قرار نگرفته بود با عنوان مقصود نجات، بازشناسی شده و با دقت و بازخوانی دقیق تر در عرصه ادب مکتوب معرفی گردید.

ب) یکی از سراینندگان ادب فارسی به نام سید مختار حسین تقوی مورد شناسایی و معرفی قرار گرفته است، اهمیت این شخصیت در این است که از سراینندگان شیعی و از تبار مهاجران قمی در هند است و این می تواند زمینه معرفی دقیق تر سید عبدالله قمی که از شخصیت های تأثیر گذار در نهادینه کردن شاخه سادات تقوی در هند بوده است، را فراهم نماید .

ج) این پژوهش، تحقیق و تصحیح هفت بند مقصود نجات است که در حد بازخوانی و شناسایی هرچه دقیق تر متن صورت گرفته است. البته این هفت بند و این سروده جزو جوایبه های عالی و سرآمد در عرصه جوایبه های هفت بند کاشی نیست . اما در جای خود شایستگی تحقیق و ارائه در حد یک مقاله را دارا بوده است.

منابع

۱. الذریعه الی تصانیف الشیعه؛ محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، بیروت، انتشارات دارالاضواء، ۱۹۸۳م
۲. تألیفات شیعه در شبه قاره هند؛ سید شهوار حسین نقوی امروهی، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۴ش
۳. دیوان اشعار ملا حسن کاشی؛ . دیوان اشعار به کوشش عبارس رستاخیر با مقدمه حسن عاطفی، تهران، مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ دوم. ۱۳۸۹ش.
۴. رساله مقصود نجات؛ سید مختار حسین تقوی، لکهنؤ (هند)، مطبعه منشی نولکشور، ۱۸۸۸م
۵. سبعة سیاره در جواب هفت بند کاشی؛ ابوالفضل مرادی رستا، نشریه میراث شهاب، شماره ۷۳. ۱۳۹۲ش
۶. فهرست کتاب های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش؛ عارف نوشاهی، لاهور، انتشارات مکتبه علمیه، ۱۳۶۹ ش .
۷. کتاب شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره؛ عارف نوشاهی، تهران، انتشارات

- مرکز پژوهشی میراث مکتوب لاهور، ۱۳۹۱ ش.
۸. مروری بر منقبت امام (ع) در شعر فارسی؛ رسول جعفریان، نشریه مشکات، شماره ۷۸، فصل بهار ۱۳۸۲ ش.
۹. معجم مؤلفی الشیعه؛ علی فاضل قائینی نجفی، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۱۰. موسوعه مؤلفی الامامیه؛ گروه مؤلفین، قم، انتشارات مجمع الفکر الاسلامی ۱۴۳۱ ق.
۱۱. مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تا کنون؛ خان بابا مشار، بی نا (مؤلف)، بی تا.
۱۲. میراث مشترک ایران و هند؛ علی صدرایی خویی ابوالفضل مرادی رستا و حجت ذبیحی فر، قم انتشارات کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۹۲ ش.
۱۳. هفت بند هفتاد بند؛ سعید هندی. تهران، انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ ش.



